

علل و عوامل بیکاری

رحمت ... قلی پور
قسمت دوم

دیدگاه‌های تاریخی در زمینه اشتغال و بیکاری - اشتغال در صدر اسلام - تعریف اشتغال - انواع اشتغال - سیاست اشتغال - عوامل موثر در وضعیت اشتغال - تدابیر دولت در زمینه اشتغال مطالب قسمت پیشین این مقاله بود؛ اینک ادامه مطالب از نظر شما خواهد گذشت.

■ بیکاری

مشکل بیکاری در دهه‌های اخیر به صورت یکی از مسایل بسیار حاد کشورهای توسعه نیافته درآمد است. در کشورهای عقب افتاده جنبه‌های بیکاری در تار و پود جامعه نهفته و به صورت مزمن درآمد است و عقب ماندگی تکنیکی در پاره‌ای موارد مساله را لاینحل متجلی می‌سازد. گرچه اطلاعات کافی و دقیق در این رابطه دردست نیست ولی برآورد می‌شود که ۱۵ تا ۲۶ درصد نیروی کار شهری در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته بیکار باشند. در کشورهای توسعه نیافته مشکل بیکاری یک مساله سیکل ناشی از کاهش موقت رشد تولید نیست بلکه مساله‌ای مزمن است. تفاوت بیکاری در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته در این است که در کشورهای توسعه

نیافته بیکاری مبتلا به جوانان و افراد تحصیل کرده است، در حالی که بیکاری در کشورهای گروه اول افراد مسن و بی مهارت را در برمی‌گیرد. این پدیده را اصطلاحاً «رشد بدون اشتغال» می‌نامند. یکی از دلایل اساسی چنین پدیده‌ای از کاربرد استراتژی‌هایی ناشی می‌شود که مبتنی بر تئوری‌های رشد متعارفند. این تئوری‌ها با تاکید فراوان بر رشد بخش صنعتی و رشد تولید ملی مساله بیکاری را تشدید می‌کند. (از این رو است که عده زیادی بیکاری را از آثار نامطلوب انقلاب صنعتی می‌دانند). به عنوان مثال تئوری، لوئیس تاکید زیادی بر رشد بخش صنعتی دارد و توسعه را از طریق انتقال کارگران بخش روستایی به بخش مدرن قابل اجرا می‌داند. این مدل‌ها معمولاً ظرفیت بخش مدرن را جهت جذب کارگر از روستاها زیاد برآورد می‌کنند و

معمولاً برای رشد بخش شهری در مقابل رشد بخش روستایی اعتبار زیادی قایل می‌شوند و همچنین سرمایه‌بر بودن تکنیک‌های تولید، بالا بودن کارایی و مزد، خود به بدتر شدن شرایط کمک کرده است و قوه جاذبه شهرنشینی را برای روستاییان بیشتر می‌کند.

■ تعریف بیکاری

تعاریف متعددی برای بیکاری ارایه داده‌اند که موارد زیر از جمله آنهاست:

- ۱- اشخاص در حال بیکار شامل کسانی است که سن آنها بین ۱۵ الی ۶۴ سال بوده به گروه‌های زیر طبقه‌بندی شده‌اند: (۱)
- کارگران در جستجوی کار
- اشخاصی که تازه به سن کارکردن رسیده‌اند.
- اشخاصی که بدون شغل ثابت هستند.
- اشخاصی که کار آنان خوابیده است.

دیگر از این عرصه خارج باشند. به عبارت دیگر کمتر از حد مورد انتظار کار می‌کنند.

کم کاری در واقع همان وضعیت اشتغال نامکفی می‌باشد که در آن کارکنان مطابق با تخصص خود کار نمی‌کنند، مزدها بالاتر از بازدهی نهایی کارگر است و بخشی از ساعات کار بی‌استفاده باقی می‌ماند.

۴- پرفسور ادگار او، ادواردز، در تقسیم بندی دیگری، بیکاری را بدین گونه تقسیم می‌کند:

الف) بیکاری آشکار که دو گونه است:

- **بیکاری ارادی**، افرادی که از پذیرفتن برخی مشاغل که برای آن شایستگی دارند امتناع می‌کنند و منابع تامین مالی دیگری جز اشتغال دارند.

- **بیکاری غیرارادی**، که عامل آن اراده فرد یا کارفرما نیست. از آن جمله است «بیکاری طبیعی» که در نتیجه جابجایی عوامل تولید رخ می‌دهد و یا اینکه ظرفیت جامعه در حدی نیست که بتواند از تمام عوامل تولید استفاده نماید.

ب) کم کاری، کسانی که کمتر از آنچه ما بلند کار می‌کنند.

ج) ظاهراً فعال ولی با بهره برداری کم، کسانی که برحسب تعاریف بالا معمولاً در زمره بیکاران و یا کم کاران قرار نمی‌گیرند اما در واقع افرادی هستند که کارشان حاصلی ندارد، این وضعیت خود به چند قسم تقسیم می‌شود:

- **کم کاری پنهان**، وقتی افرادی برای کاری گمارده می‌شوند می‌توانند خیلی کمتر از حد انتظار کار نمایند.

- **بیکاری پنهان**، کسانی که سرگرم فعالیت‌های غیرشغلی (انتخاب دوم) هستند.

- **بازنشستگی زودرس**، در بسیاری از کشورها

۲- بیکار کسی است که شرایط زیر را داشته باشد: (۲)

- در دوره مراجعه هیچگونه کاری نداشته باشد.

- سن او بین ۱۳ الی ۶۴ سال باشد.

- توانایی کار کردن داشته باشد.

- در جستجوی کار باشد.

آنچه که از تعاریف فوق استنباط می‌شود این است که بیکاری در شرایطی محقق می‌شود که جمعیت فعال عملاً فعالیت اقتصادی نداشته باشد. به تعبیر دیگر، زمانی که عرضه نیروی انسانی بیشتر از تقاضای آن باشد، پدیده بیکاری رخ می‌دهد.

از این رو، در تحلیل موضوع بیکاری، باید از روش تحلیل سلسله مراتبی مشکل استفاده کرد. چرا که بیکاری یک عارضه است و بدین صورت جلوه پیدا می‌کند، اما ریشه‌های آن را باید در جای دیگر جستجو کرد.

به عنوان مثال، اعتیاد یک نوع عارضه می‌باشد، اما ریشه‌های آن در بیکاری، فقر فرهنگی، سیاسی و بسیاری از مسایل دیگر نهفته است.

بنابراین، در این بخش به علل و عوامل بیکاری می‌پردازیم که از جمله ریشه‌ها به حساب می‌آید.

انواع بیکاری

در تقسیم بندی بیکاری اهل تحقیق تقسیمات مختلفی ارائه داده‌اند.

۱- ویلیام. اچ میرینگ بیکاری را اینگونه طبقه بندی کرده است:

- بیکاری برحسب میزان (جزیی، کلی)

- بیکاری برحسب مدت (کوتاه مدت، میان مدت و

بیکاری برحسب علت (ادواری، اصطکاکی، بنیانی ...)

تفاوت بیکاری در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته در این است که در

کشورهای توسعه نیافته بیکاری مبتلا به جوانان و افراد تحصیل کرده است. در حالی

که بیکاری در کشورهای گروه اول افراد مسن و بی مهارت را در برمی گیرد

بیکاری پنهان به وضعیتی گفته

می‌شود که در آن کارگران ممکن است ظاهراً فعال باشند ولی به طور فاحشی کم

بهره برداری می‌شوند

۲- در تقسیم بندی دیگر بیکاری را به بیکاری آشکار و پنهان تقسیم نموده‌اند.

بیکاری پنهان را می‌توان به این صورت تعریف کرد که «اگر اضافه کردن یک کارگر باعث افزایش تولید نگردد، می‌گوییم بیکاری پنهان وجود دارد». به عبارت دیگر، بیکاری پنهان به وضعیتی گفته می‌شود که در آن کارگران ممکن است ظاهراً فعال باشند ولی به طور فاحشی کم بهره برداری می‌شوند.

۳- در تقسیم دیگر بیکاری را به بیکاری مطلق و کم کاری تقسیم نموده‌اند.

بیکاری مطلق وضعیتی است که تمام عوامل تولید از عرصه تولید و فعالیت‌ها خارج باشند و از آنها استفاده نشود.

کم کاری وضعیتی است که بعضی از عوامل تولید در عرصه تولید و فعالیت باشند و بعضی

سن بازنشستگی همزمان با افزایش طول عمر در حال کاهش است. این کار وسیله‌ای است برای ایجاد امکان اشتغال بیشتر برای افراد زیادی که از پایین فشار می‌آورند.

د - بیماران، کسانی که ممکن است تمام وقت کار کنند ولی قوه کارشان بر اثر سوء تغذیه یا فقدان داروهای عمومی پیشگیری کننده تحلیل می‌رود.

ه - غیرمولدان، کسانی که می‌توانند نیروی انسانی لازم را برای کار تولیدی تشکیل دهند، ولی ساعت‌های درگیر منابع مکمل نا کافی برای ساختن عوامل تولید خود و حتی ضروریات زندگی خود هستند.

■ روند بیکاری در جهان

تا قبل از جنگ جهانی اول و دوم و قبل از ورود جهان به دنیای صنعت، نرخ بیکاری در سطح پایینی قرار داشته است و روند افزایش آن بسیار کند بوده است.

اما موضوع بیکاری و اشتغال از پس از جنگ بین‌المللی دوم با اهمیت جلوه می‌کند و سازمان‌های مختلفی را برای تحقیق در این رابطه تشویق می‌نماید.

سازمان‌های بین‌المللی کار در اوایل دهه ۱۹۷۰ طی یک برنامه مدون اقدام به یک رشته مطالعات مفصل موردی درباره مساله اشتغال و بیکاری در بعضی از کشورهای در حال توسعه از قبیل، کلمبیا، کنیا، سری لانکا، ایران و فیلیپین نموده است. این بررسی‌ها نمایانگر جدی بودن مساله بیکاری و احتمال وخیم تر شدن آن را در خلال سال‌های آینده به کمک سند اثبات کرده است.

نکته قابل توجه اینکه، بیکاری به مقیاس وسیع یکی از خصوصیات بارز کشورهای در حال توسعه می‌باشد و عواملی همانند فشار جمعیت، فقدان موقعیت‌های شغلی (چه به علت سطح پایین فعالیت‌ها و چه به علت نرخ رشد پایین و یا هر دو اینها) انتخاب تکنیک‌های سرمایه بر به جای کاربر، عدم تطابق تعلیم و تربیت با نیازهای جامعه، تعیین سطح مزدها بدون توجه به بازدهی کار کارگر، کمبود سرمایه گذاری و بسیاری از عوامل دیگر، می‌تواند باعث تشدید مشکل بیکاری در کشورهای در حال توسعه عموماً و کشور ایران خصوصاً بشود.

■ بیکاری در شهرها از دید عرضه و تقاضا

اگر بخواهیم از دید عرضه به مساله بیکاری و رشد آن در شهرها نگاه کنیم، می‌توانیم چندین عامل را سبب رشد عرضه نیروی کار بدانیم که عبارتند از:

- نرخ رشد بالای جمعیت و انفجار تحصیلات این عامل سبب افزایش تعداد افراد جوانی شده است که روستا را ترک می‌کنند و به شهرها مهاجرت می‌نمایند.

- همچنین ماهیت سیستم آموزشی کشورهای در حال توسعه خود تا حدی باعث مهاجرت از روستا به شهر شده است، زیرا برای تحصیلات آکادمیک شهری ارزش قایل است.

ضمن اینکه سیستم آموزشی در این کشورها با فرصت‌های شغلی هماهنگ نیست که به این دلیل مساله بیکاری در بین افراد تحصیل کرده بسیار زیاد شده است.

- از نقطه نظر عرضه خصوصاً در مناطق روستایی مشکلات ساختی دیگری وجود دارد که سبب

هجوم به شهرها شده است. عده‌ای معتقدند که توزیع نابرابر زمین در روستاها باعث شده است که با افزایش ابعاد خانواده، بعد از ازدواج فرزندان، برای تامین زندگی تمام افراد کار مناسب و درآمد کافی نداشته باشند، از این رو به شهرها مهاجرت می‌کنند.

- از دید تقاضا، عواملی که بیکاری را شدت بخشیده است عبارتند از:

طبیعت سرمایه بر بخش مدرن که باعث شده است تولید سریع‌تر از اشتغال رشد کند. اگر بخواهیم موضوع را در یک عبارت کوتاه خلاصه کنیم باید گفت که:

اقتصاد در حال رکود موجب افزایش بیکاری می‌شود، زیرا در این شرایط عرضه کل تولید بیش از تقاضای کل تولید می‌باشد. که از جمله پیامدهای آن کاهش بعضی از قیمت‌ها، کاهش تولید و افزایش بیکاری است.

■ علل و عوامل اساسی بیکاری

بی تردید در هر بررسی و تجزیه و تحلیل، ریشه‌یابی امری مهم و ارزنده است. اگر قرار باشد موضوعی به صورت ریشه‌ای مورد ارزیابی قرار گیرد و جوانب مختلف آن بررسی شود، باید از نگاه به جنبه‌های ظاهری آن صرف نظر کرد و به علل واقعی موضوع پرداخت.

در بحث بیکاری همانگونه که گفته شد عارضه‌هایی وجود دارد که در جامعه زودتر و بیشتر نمود پیدا می‌کند. اما به واقع اینها علت اصلی بیکاری نمی‌باشند و همانگونه که گفته شده است فقط عارضه‌ها می‌باشند که جامعه را به معضل بیکاری حساس می‌کنند و علت اصلی این موضوع در عوامل دیگری است که در همین تحقیق بعضاً

اشاره خواهد شد، البته علتها در موارد ذیل خلاصه نخواهد شد و مطمئناً موارد زیادی هستند که می‌توانند به عنوان ریشه‌های بیکاری از آنها یاد کرد.

۱ - فشار جمعیت (رشد جمعیت و کاهش مرگ و میر)

افزایش زاد و ولد و کاهش مرگ و میر (در نتیجه رعایت موارد بهداشتی) در بسیاری از کشورها و از جمله ایران خود عاملی است برای رشد بیکاری. در این کشورها، این امر سبب گردیده است که آهنگ افزایش جمعیت به نحوی مداوم سرعت یابد و موجب وسعت پایه هرم سنی شود و سرانجام به افزایش نسبت جوانان غیرفعال به کل جمعیت منجر گردد.

مزید بر آن، سیر قهقرایی (نزولی) جمعیت این قبیل کشورها در فعالیت کشاورزی و رو آوردن به فعالیت‌های خدماتی و بعضاً صنعتی که از آهنگ رشد ضعیفی برخوردار است خود علل بوجود آورنده در این امر بوده است.

مهم‌تر آنکه در بعضی موارد، بیکاری مرئی کمتر وجود دارد و ظاهر نیست و نیمه بیکاری بسیار شایع است و موجب کاهش بهره‌وری در تمامی بخش‌های اقتصاد روستایی می‌شود.

مطابق سرشماری که در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در ایران انجام گرفته است، جمعیت کشور حدود ۳۵ میلیون نفر بوده است و این عدد در سال ۱۳۷۵ به حدود ۶۰ میلیون نفر رسیده است که تقریباً رشد ۱۰۰٪ (صددصدی) داشته است، اما اگر به نرخ رشد فرصت‌های شغلی چه در بخش کشاورزی و چه در بخش‌های صنعتی و خدماتی بنگریم، مطمئناً عددی بسیار کمتر از عدد فوق

است و این ناهماهنگی در آهنگ نرخ رشد جمعیت و فرصت‌های شغلی باعث رشد بیکاری در جامعه می‌شود که جلوه بیرونی آن ناهنجاری‌های اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و سیاسی در کشور می‌تواند باشد.

۲ - مهاجرت روستائیان به شهر

یکی از عوامل اصلی تعمیم بیکاری در کشورهای در حال توسعه که آشکارا به چشم می‌خورد این است که زمین نمی‌تواند جمعیت روزافزون روستاها را به کار مشغول سازد. فقط در طی مدتی از سال، کار برای تمامی مردم وجود دارد و حتی به هنگام بذرافشانی و کشت و چیدن محصول کمبود نیروی انسانی به چشم می‌خورد ولی در بقیه سال هیچگونه کار مفیدی وجود ندارد. اضافه بر آن، کمبود امکانات رفاهی و آموزشی و عدم وجود اطلاعات کافی و بسیاری از علل دیگر، سبب مهاجرت روستائیان به شهر می‌شود. این موضوع تا به اینجا به اتمام نمی‌رسد، بلکه مهاجرت بی‌رویه به شهرها خود منشأ بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی است که بیکاری از جمله آنان است. مهاجرت روستائیان به شهرها باعث رشد کاذب جمعیت در شهرها می‌شود و با توجه به عدم رشد موزون صنایع و بخش‌های خدماتی، سبب ایجاد بیکاری در شهرها می‌گردد.

مهاجرت در پاسخگویی به تفاوت در درآمدهای مورد انتظار واقعی در شهر و روستا صورت می‌گیرد. در نتیجه مهاجرت زیاد از روستا به شهر، بیکاری در شهر شدت می‌گیرد.

دو عامل اقتصادی در تصمیم یک مهاجر موثرند:

یکی تفاوت مزد واقعی موجود در شهر و

روستا، و دیگری احتمال یافتن شغل مناسب در بخش شهری که البته رسیدن به نتیجه و درصد موفقیت هر دو عامل بسیار پایین است که همین موضوع سبب رشد بیکاری در شهرها می‌گردد.

۳ - انتخاب تکنیک‌های سرمایه بر به جای کاربر

مهم‌ترین ویژگی تکنولوژی، انتقال مهارت‌های انسانی به ماشین‌های صنعتی و عملیات اجرایی از انسان به ماشین است. امروزه با گسترش صنایع و سازمان‌های تولیدی و اجبار اقتصادی در تولیدات انبوه، کارفرمایان با تغییر نیروی کار از کاربر به سرمایه‌بر معضلی را به نام بیکاری بوجود آورده‌اند که گریبانگیر کشورهای صنعتی و غیرصنعتی شده است.

در بازار نیروی کار، از دست دادن مشاغل از طریق جایگزینی نیروی ماشین و یا تکنیک‌های انجام کار، بیکاری تکنولوژیکی لقب گرفته است. به جای کارگر ماشین و به جای نیروی انسانی، نیروی مکانیکی و یا الکترونیکی استفاده می‌شود. کاربرد ماشین در سیستم‌های سازمانی بسیار سریع بوده و به همان نسبت هم بیکاری نیروی انسانی سریع‌تر انجام می‌شود.

نکته مثبت استفاده از تکنیک‌های سرمایه‌بر و مدرن افزایش تولیدات و کاهش قیمت کالاهای تولیدی است که در نتیجه آن فروش بالا می‌رود و رونق اقتصادی ایجاد می‌شود.

اما همانگونه که اشاره شد از جمله نکات منفی آن رشد بیکاری در جامعه می‌باشد که به نوبه خود ضربه‌ای شدیدتر از رونق اقتصادی ناشی از استفاده تکنیک‌های سرمایه‌بر وارد خواهد نمود، خاصه اگر نیروی کار کار آن جامعه از سطح مهارت و تخصصی بسیار پایینی برخوردار باشند.

تله در بازار نیروی کار، از دست دادن مشاغل از طریق جایگزینی نیروی ماشین و یسا تکنیک‌های انجام کار بیکاری تکنولوژیکی لقب گرفته است

۴ - مشکلات زنان و رشد بیکاری

زنان شاغل زمانی که ازدواج می‌کنند دچار مشکلات جانبی از قبیل فرزندداری و خانه داری می‌شوند و به تدریج دست از کار می‌کشند و یا اینکه در کیفیت زندگی کاری خلل وارد می‌شود که به ترتیب به بیکاری آشکار و پنهان مواجه می‌شوند. از طرف دیگر، در اغلب کشورهای در حال توسعه زنان اساساً نسبت به مردان دسترسی کمتری به آموزش و پرورش، فرصت‌های شغلی، درآمد و قدرت دارند که این خود عاملی است برای رشد بیکاری در این طیف از افراد جامعه که به نوبه خود بخش وسیعی از اعضای جامعه را تشکیل می‌دهند.

۵ - عدم تطابق نرخ رشد تولیدات صنعتی با نرخ رشد اشتغال

به این معنا که در اغلب کشورهای جهان سوم نرخ رشد تولیدات بسیار بالا و خیره کننده است در حالی که نرخ رشد اشتغال به نحو قابل توجهی پایین است و در بسیاری از موارد این نرخ حتی ثابت مانده است. اساساً دلیل این عدم تطابق به رشد بهره‌وری نیروی کار مربوط می‌شود. که طبق تعاریف آرایه شده، نرخ رشد تولید (Q) منهای نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار $\frac{Q}{N}$ تقریباً برابر با نرخ رشد اشتغال است.

به این ترتیب اگر فرضاً تولید با نرخ ۸ درصد در سال رشد کند و اشتغال فقط با نرخ ۳ درصد در

سال گسترش یابد، اختلاف این دو رقم به افزایش در بهره‌وری نیروی کار مربوط می‌شود. بهره‌وری نیروی کار می‌تواند مطلوب یا غیرمطلوب باشد. بهبود آموزش و پرورش و مدیریت معتبر و مواردی از این قبیل از جمله اشکال مطلوب رشد نیروی انسانی است. ولی افزایش در بهره‌وری نیروی کار در نتیجه جانشینی نیروی کار شدن سرمایه در فرآیند تولید و یا واردات ماشین آلات و تجهیزات پیچیده و گران قیمت کار، ممکن است در کشورهای جهان سوم و پرجمعیت کمتر رضایتبخش باشد.

۶ - پایین بودن توان تولید

راه حل این مشکل چنین توصیف شده است که رشد اقتصادی در جامعه ایجاد شود، زیرا رشد اقتصادی توان تولید را افزایش داده، اشتغال کامل را پدید خواهد آورد.^(۳)

۷ - عدم تطابق و هم‌انگونی سیستم آموزشی با فرصت‌های شغلی

موضوع مطابقت سیستم‌های آموزشی با فرصت‌های شغلی موجود از مهم‌ترین مباحث سیاست اشتغال در نظام اقتصادی هر کشوری می‌باشد. به این معنا که بایستی آموزش را به جهتی سوق دهیم که نیازهای شغلی جامعه در همان سمت و جهت باشد.

از جمله عللی که در مساله بیکاری و رشد آن مخصوصاً در کشورهای کم توسعه یافته می‌شود نام برد همین موضوع است چرا که در اکثر این کشورها آموزش عالی کمترین ارتباطی با سیستم کاریابی جامعه دارد و دستگاه آموزشی به فعالیت تئوریک و نظری خود می‌پردازد بدون اینکه هیچ

ارتباطی بین خود و سیستم کاریابی و صنعت ایجاد نماید، همچنین سیستم اجرا و فعالیت‌های صنعتی به کار خویش مشغول هستند بدون اینکه کمترین ارتباطی با دستگاه آموزشی داشته باشند.

تله در اغلب کشورهای در حال توسعه زنان اساساً نسبت به مردان دسترسی کمتری به آموزش و پرورش، فرصت‌های شغلی، درآمد و قدرت دارند که این خود عاملی است برای رشد بیکاری در این طیف از افراد جامعه که به نوبه خود بخش وسیعی از اعضای جامعه را تشکیل می‌دهند

اضافه براین، نوع آموزش و پرورش آن در سیستم آموزشی این قبیل کشورها به گونه‌ای است که با فرصت‌های شغلی آن جامعه عجین و هماهنگ نیست. بنابراین، مشکل عدم هماهنگی و عدم ارتباط و عدم تطابق سیستم آموزشی با فرصت‌های شغلی موجود در این کشورها و از جمله ایران، خود عامل مهمی برای رشد بیکاری شده است، که این مهم باید در صدر موضوعات اشتغال مورد بررسی قرار گیرد.

تله موضوع مطابقت سیستم‌های آموزشی با فرصت‌های شغلی موجود از مهم‌ترین مباحث سیاست اشتغال در نظام اقتصادی هر کشوری می‌باشد. به این معنا که بایستی آموزش را به جهتی سوق دهیم که نیازهای شغلی جامعه در همان سمت و جهت باشد

از این نگاه، در جامعه افراد تحصیل کرده‌ای

بیشتر از ارقام مذکور است.

در نتیجه کندی رشد تولیدات، کاهش بهره‌وری، افزایش بیکاری و کاهش دستمزدهای واقعی و متوسط درآمد منجر به افزایش فقر و افزایش تعداد مردم گرسنه در جهان شده است.

جدول بیکاری آشکار شهری ۷۰ - ۱۹۸۶

(درصد سالانه)

۱۹۸۶	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۵/۲	۲/۹	۴/۹	آرژانتین
۳/۶	۶/۲	۶/۵	برزیل
۱۳/۱	۱۱/۷	۴/۱	شیلی
۱۳/۸	۹/۷	۱۰/۶	کلمبیا
۴/۸	۴/۵	۷	مکزیک
۱۱/۸	۱۰/۹	۸/۳	پرو

ماخذ:

International Labour org. Overview of the Employment Situation in the word (1987). Genevau: Yubleq. p.39.

۱۰ - کمیود سرمایه گذاری

از عصر شکار و کشاورزی سنتی که بگذاریم، دو عامل مهم و اساسی در رشد و تحول نظام اقتصادی در هر جامعه‌ای «نیروی کار و سرمایه» می‌باشد. این دو نیرو با کمک هم و با تکمیل نمودن همدیگر باعث شکوفایی اقتصاد هر جامعه‌ای می‌شوند و نقش مضاعفی در اقتصاد جامعه ایفا می‌کنند.

اما متأسفانه در کشورهای توسعه نیافته این مهم به بوتی فراموشی سپرده شده است. در این کشورها سرمایه گذاری در پایین ترین سطح خود

جدول میزان رشد محصولات

ناخالص داخلی سرانه

(درصد سالانه)

۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵	۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰	
-۲/۶	-۴/۹	-۳/۵	۱/۹	آفریقا
۰/۴	۱/۶	-۱/۸	۲/۸	آمریکای لاتین
-۳/۹	-۰/۳	-۳/۹	۰/۸	آسیای غربی
۲/۷	۳/۲	۲/۹	۴/۱	جنوب و شرق آسیا

ماخذ: دبیرخانه سازمان ملل، بخش امور اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی.

مجله سازمان برنامه و بودجه شماره ۷ و ۸

به موازات کاهش میزان رشد، از میزان رشد بهره‌وری نیروی کار نیز کاسته شده است.

در بعضی کشورهای جهان سوم، نه تنها رشد بهره‌وری، بلکه متوسط سطح بهره‌وری نیز کاهش یافته است. طی دوره ۱۹۸۰ - ۱۹۸۵ متوسط

بهره‌وری نیروی کار در آفریقا ۱/۵ درصد در سال و در آمریکای لاتین ۲/۷ درصد در سال کاهش یافته است. این موضوع نمایانگر این حقیقت

است که در این کشورها، کل تولید با سرعت کمتر از اندازه نیروی کار افزایش یافته است. این خود به

اینجا منتهی می‌شود که میزان بیکاری شهری در شهرهای بزرگ رو به کاهش باشد. در آمریکای

لاتین و حوزه کارائیب، میزان بیکاری آشکار شهری از ۶/۸ در سال ۱۹۷۰ به ۷/۱ درصد در سال

۱۹۸۰ و ۱۰/۳ درصد در سال ۱۹۸۶ افزایش یافت.

البته در برخی کشورها از قبیل کلمبیا، شیلی، پرو و ونزوئلا میزان نرخ بیکاری به طور چشمگیری

خواهیم داشت که اولاً به خاطر تحصیلات خود دست به هر کاری نمی‌زنند و دور از شأن خود می‌دانند و در ثانی کاری که با تخصص آنها سازگار باشد نمی‌یابند و سوم اینکه کاری را انجام می‌دهند که با تحصیلات آنان هیچ سازگاری ندارد که این خود سبب رشد بیکاری پنهان می‌گردد.

۸ - خصوصی سازی

گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی از عواملی نظیر صرفه‌های اقتصادی، حداکثر شدن سود و استفاده بهینه از منابع ناشی می‌شود. لذا در صورت انتقال فعالیت‌ها از بخش دولتی به بخش خصوصی مسلماً اهداف کارایی اقتصادی و بازده بیشتر توأم با کیفیت بالاتر از جمله عوامل کاهش سطح اشتغال خواهد بود. به بیان دیگر، موسسات خصوصی به دنبال به حداکثر رساندن سود و درآمد می‌باشند ضمن اینکه کیفیت بالای محصولات مورد توجه آنها است، که این اهداف رشد بیکاری در جامعه را به دنبال دارد، مگر اینکه به موازات تعدیل نیروی انسانی تاسیس و ایجاد واحدهای جدید و تحرک سرمایه گذاری در راستای تغییر و تحولات اساسی در فرصتهای شغلی جدید پدید آورد.

۹ - کندی رشد تولید و کاهش بهره‌وری و کاهش دستمزدها

در طی سال‌های اخیر کاهش رشد محصولات ناخالص داخلی در اکثر مناطق کشورهای توسعه نیافته رخ داده است و در اکثر مناطق متوسط درآمد سرانه به طور محسوسی کاهش یافته است.

قرار دارد و از نیروی سرمایه در جهت تولیدات و رشد محصولات ناخالص ملی کمترین استفاده شده است. که خود از علل اصلی توسعه نیافتگی به حساب آمده است.

پایین بودن سطح سرمایه گذاری در کشورهای توسعه نیافته مشکلی را به نام بیکاری بوجود آورده است که می تواند علت دیگری برای توسعه نیافتگی این کشورها باشد.

بنابراین، سرمایه گذاری عامل تعیین کننده ای در میزان بیکاری کشورها به حساب می آید.

در کشورهای صنعتی که نرخ سرمایه گذاری بالا است میزان بیکاری و رشد آن بسیار پایین است، اما در کشورهای غیرصنعتی که نرخ سرمایه گذاری پایین است میزان بیکاری و رشد آن بسیار بالا است.

۱۱ - عدم تخصص و مهارت نیروی کار

نبود تخصص و نیروی کار ماهر در کشورهای فقیر باعث رشد بیکاری در این کشورها شده است. چرا که با پیشرفت صنعت در جهان و تخصصی شدن وظایف و مشاغل، نیاز به تخصص امری بدیهی و ضروری به نظر می آید و در نتیجه افرادی که فقط می توانند کارهای ساده و ابتدایی را انجام دهند به تدریج جای خودشان را یا به کارگران متخصص و یا به ماشین آلات می دهند و در هر دو حالت باید بیکار بمانند، که این امر در کشورهای جهان سوم خصوصاً زیاد به چشم می خورد.

۱۲ - عدم توجه به صنعت توریسم:

تقویت صنعت توریسم و جهانگردی در ایران

از جمله عوامل مهم در امر بهبود صنعت اشتغال به حساب می آید. کارشناسان معتقدند که به ازای ورود هر جهانگرد به کشور چندین شغل ایجاد می شود. اما در حال حاضر، به این مهم توجه کمتری شده است و بنابه گفته کارشناسان سهم ایران در جهان در جذب توریسم در رتبه ۴۰ قرار دارد و حال اینکه کشور ما جزء ۱۰ کشور برتر جهان از لحاظ تمدن بشری و برخورداری از آثار متعدد باستانی است.

پایین بودن سطح سرمایه گذاری در کشورهای توسعه نیافته مشکلی را به نام بیکاری بوجود آورده است که می تواند خود علت دیگری برای توسعه نیافتگی این کشورها باشد

نویسندگان امر اشتغال و بیکاری علل و عوامل متعددی را در این زمینه بر شمرده اند. از جمله فقدان موقعیت های شغلی (چه به علت سطح پایین فعالیت ها و چه به علت نرخ رشد پایین و یا هر دو اینها). تعیین سطح مزد بدون توجه به بازدهی کار کارگر، حوادث غیرمترقبه از قبیل جنگ، زلزله و سیل، تاکید بی مورد بر تولید صنعتی، رشد تورم و موارد دیگر، که همه اینها در جای خود می تواند علت رشد بیکاری در جوامع صنعتی و غیرصنعتی باشد. اما در این تحقیق به دلیل رعایت اختصار بیش از این نتوانستیم به علل بیکاری بپردازیم و اهل تحقیق را برای مطالعات بیشتر به ماخذ ذکر شده و دیگر نوشته هایی که در این زمینه مطلب نوشته شده است ارجاع می دهیم.

پانویسها:

- ۱ - تعریف مورد قبول کنفرانس بین الملل کارشناسان.
- ۲ - دستورالعمل آمارگیری نیروی انسانی سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۱.
- ۳ - ابوالحسن فقیهی، دیوانسالاری و توسعه در تئوری و عمل، مجله اقتصاد و مدیریت.